

زیبایی‌شناسی آثار ناصر کشاورز

نسرین بیرانوند*

دکتر حسین آریان**

دکتر ناصر کاظم خانلو***

چکیده

در زیبایی‌شناسی شعر عناصر شکل، صورت و محتوا در ارتباط متقابل با یکدیگر قرار دارند. در نقد زیبایی‌شناختی شعر کودک موزون و آهنگین بودن، صریح و گویا بودن اندیشه‌ساز و خیال‌پرداز بودن از عناصر اصلی است. برای رسیدن به یک بینش درست و شناخت کامل از سراینندگان، می‌توان از ابزار و دریچه زیباشناسی، به کنه و عمق افکار و عوالم درونی و احساسی سراینندگان دست پیدا کرد و از این طریق به زوایا و خبایای ذهن آنها وارد شد و با درک و بصیرت بیشتری در اشعارشان تأمل کرد. پژوهش حاضر با عنوان «زیبایی‌شناسی در آثار ناصر کشاورز» و با هدف شناخت و معرفی جنبه‌های زیباشناسی شعر کودک ناصر کشاورز تدوین شده است. روش این پژوهش از نظر ماهیت، توصیفی — تحلیلی و از نظر هدف نظری است و مطالب آن از طریق مطالعات کتابخانه‌ای فراهم شده است. مهم‌ترین جنبه‌های زیباشناسی اشعار ناصر کشاورز در انواع موسیقی: بیرونی، کناری، درونی و معنوی مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که ناصر کشاورز به صنعت بیانی و بدیعی (آرایه‌های لفظی و معنوی) در شعر کودک اهمیت ویژه‌ای داده است.

واژه‌های کلیدی

ادبیات کودک، ناصر کشاورز، آرایه‌های لفظی و معنوی، زیبایی‌شناسی

مقدمه

زیبایی و زیباشناسی در شعر از زمان‌های بسیار دور مورد توجه ادیبان و شاعران بوده است. از آن جایی که هر اثر ادبی در بنیان خود زیباست، می‌توان آن را از دیدگاه زیبایی‌شناسی بررسی کرد. زیبایی‌شناسی حوزه بسیار وسیعی را در بر می‌گیرد. صاحب‌نظران عواملی چون عاطفه، احساس، صور خیال و موسیقی مناسب و هماهنگ شعر را موجب زیباتر شدن آن می‌دانند؛ اما در این میان نقشی چشم‌گیر برای صنایع بدیعی قائلند. اعراب از زمان جاهلیت در آوردن کلام فصیح و بلیغ توانا بوده‌اند و در اشعار خود از انواع گوناگون صنایع ادبی بهره می‌گرفتند. پس از اسلام و نزول قرآن مجید توجه به زیبایی کلام همچنان پابرجا بود. در عصر ممالیک نیز، عمده اهتمام شاعران به پرورش آرایه‌های لفظی بود، اما این امر شکلی افراطی به خود گرفته و توجه به معنا مورد غفلت قرار می‌گرفت. به هر روی صاحب‌نظران، نمایان‌ترین هنر شاعران این عصر را به کارگیری همین صنایع بدیعی می‌دانند. بنابراین، زیبایی‌شناسی یکی از بهترین امور فطری هر فرد است که خالق هستی در وجود او قرار داده است. لذا هر کس در هر مقطعی که باشد به این امر گرایش دارد و ادبیات کودک نیز از این قاعده مستثنی نیست. در نقد ادبی نوین زیبایی‌شناسی بحثی مستقل است که باید جدا از مسائل تاریخی، اخلاقی و روان‌شناختی به خود آن به عنوان یک مقوله مستقل پرداخت و عناصر آن را در ارتباط

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، ملایر، ایران.

** استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان، گروه زبان و ادبیات فارسی، زنجان، ایران. (نویسنده مسوول).

*** استادیار، دانشگاه پیام نور همدان، گروه زبان و ادبیات فارسی، ایران، همدان.

متقابل و نظام‌دار با یک‌دیگر قرار داد. نقد زیبایی‌شناختی، بررسی عناصر شکل، صورت و محتوا است که در ارتباط متقابل با یک‌دیگر قرار دارند. در نقد زیبایی‌شناختی شعر، موسیقی، زبان، صور خیال و محتوا در کنار هم مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند. ادبیات کودک، عبارت است از هرگونه متنی که با چهارچوب و طرح مشخص به طور عمد یا غیر عمد برای کودک آفریده شده باشد. صورتی که کودک با آن ارتباط برقرار می‌کند و این رابطه منجر به برانگیختن احساسات، عواطف و پدید آمدن لذت زیباشناختی شود و تأثیرات خاص روحی - روانی روی کودک بگذارد و سبب شناخت او شود. ادبیات کودکان شامل قصه، شعر، نمایش، افسانه و داستان است. شعر کودک سخنی آهنگین است که با تکیه بر وجوه صوتی و موسیقایی کلمات و بهره‌گیری از وزن و قافیه و تکیه بر سادگی و عنصر تخیل و ذوق زیباشناسی و موسیقایی کودک و غریزه بازی او پاسخ می‌دهد. در شعر کودک عناصر شعری را باید با احتیاط به کار برد تا حدی که به زیبایی کلام آسیب نرساند و پل ارتباطی را که شعر با کودک ایجاد کرده است، خراب نکند.

شعر کودک دارای قالب‌ها، زبان، محتوا، موسیقی، و آرایه‌های ادبی خاص خودش است. این ویژگی‌ها شعر کودک را از شعر بزرگسال متمایز می‌کند. هر کدام از شاعران کودک نیز از امکانات شعر کودک به شکلی خاص بهره می‌برد که با شاعران دیگر فرق دارد. تفاوت شعر کودک و بزرگسال، هم‌چنین تفاوت شعر شاعران کودک، باعث گستردگی و رشد این نوع شعر می‌شود. برای شناختن این تفاوت‌ها لازم است یک بررسی علمی و آماری صورت پذیرد تا اطلاعات روشنی به دست ما بدهد بنابراین یک بررسی سبک‌شناختی را می‌طلبد.

بیان مساله

صنایع و آرایه‌های بدیعی اعم از لفظی و معنوی، موجب زیبایی و دلنوازی و تأثیرگذاری بیشتر کلام منظوم است، چه کلام منظومی که در حد مطلوب و بدون افراط از هنرنمایی‌ها بهره می‌گیرد، دل خواننده و مخاطب را در اختیار خود می‌گیرد و سرزمین دل‌ها را برای بذرپاشی و نفوذ آماده می‌کند. اگر حد اعتدال رعایت نشود، طبعاً تأثیر منفی خواهد داشت و بر زیبایی لطمه خواهد زد؛ و اگر کلام منظوم عاری از آرایش و ظریف‌کاری باشد؛ کلام، عادی و نامطلوب خواهد بود. بنابراین زبان ادبی بهترین، موثرترین و زیباترین شیوه ارتباطی بشر است که دارای ویژگی‌ها و شاخص‌هایی از جمله زیبایی، روانی، فصاحت و بلاغت است. ابزار زیبایی زبان ادبی دو جنبه لفظی و معنوی را در بر می‌گیرد. از جمله ارکان زیبایی کلام، بدیع، بیان و معانی هستند. به لحاظ آن که شعر یک هنر متعالی ارزیابی می‌شود و هر اثر هنری در بنیان خود زیباست می‌توان آن را از دیدگاه زیبایی‌شناسی بررسی کرد. بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی، دانشی است که با آن راه‌های زیبایی سخن آشکار می‌شود و علم آرایش کلام است که زبان معمولی را به شعر تبدیل می‌کند. در بیان افکار و اندیشه‌ها، با زبانی شاعرانه از دانش بدیع که پایه‌های اصلی آن مبتنی بر صناعات لفظی و معنوی می‌باشد، استفاده فراوانی برده است.

بحث و بررسی

زیبایی‌شناسی در شعر

زیبایی‌شناسی در شعر اثر هنری حرکتی است از مرئی به نامرئی، از آشنایی و عادت به عادت‌شکنی و بیگانه‌سازی، این مفهوم اندیشه آشنایی‌زدایی و هنر (در این جا شعر) را تشکیل می‌دهد، که اولین بار توسط «اشسکلوفسکی» نظریه‌پرداز روس ارائه شد. او نشان داده است که هنر قاعده‌ها، ساختارها و شکل‌های به ظاهر ماندگار واقعیت را دگرگون می‌کند. هنر، عادت‌هایمان را تغییر می‌دهد. هر چیز آشنا و یکنواخت را در ذهن و روان ما شگفت‌انگیز می‌کند، به شکلی که انگار آن را تازه دیده‌ایم. هنر از جمله شعر، عادت و نگرش ما را به جهان عوض می‌کند، و ما را متحول می‌سازد. وظیفه شاعر به ویژه شاعران کودک و نوجوان، از بین بردن نیروی عادت در مخاطب است، یعنی آفرینش دنیایی تازه و دیدن عمیق اشیا و جهان هستی است. (رک: قرشی، ۱۳۸۳: ۲۳۸)

در بحث زیبایی‌شناسی شعر همواره باید این نکته را مد نظر داشته باشیم که هر شعر از دو قسمت صورت و محتوا تشکیل می‌شود و زیبایی‌های لفظی و معنوی در کنار هم هستند که می‌توانند شعری زیبا و خواننده‌پسند خلق کنند، یک محتوای خوب زمانی که در قالب کلمات و لغات برگزیده پی‌ریزی شود، جذاب‌تر و دلنشین‌تر خواهد بود.

«اما حوزه هنر و زیبایی در حقیقت یکی از میدان‌های جنجال برانگیز معارف بشری، از گذشته تا کنون بوده است که دیرینگی آن، با تاریخ انسان برابر است. متصدی این میدان، گاهی فلسفه و گاهی روان‌شناسی و گاهی هم، علم اخلاق بوده است.» (صیادکوه، ۱۳۸۶: ۳۱)

در علم بلاغت دانش‌های بلاغی را که منجر به ادبی نمودن متون می‌شود به سه قسم تقسیم کرده‌اند: بدیع، بیان، معانی و دانش بدیع را نیز به دو قسم بدیع لفظی و معنوی آورده‌اند. بدیع لفظی شامل بررسی جنبه‌های موسیقایی و آرایه‌هایی چون انواع جناس‌ها و بحث تکرار، سجع‌ها، و مانند آنهاست. در بدیع معنوی آرایه‌هایی چون ایهام و ایهام تناسب و انواع تضادها و... مطرح می‌شود. در دانش بیان عمدتاً به چهار بحث تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه پرداخته می‌شود و در دانش معانی به بحث‌هایی چون ذکر و حذف مسندالیه معرفه و نکره بودن آن و مباحثی چون ایجاز و اطناب و مساوات پرداخته می‌شود. در بررسی زیبایی‌شناسانه اشعار، زیبایی‌های لفظی، معنوی، زیبایی‌های صوری (موسیقی)، زبان شعری و محتوا به صورت مستقل مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرند و سپس چگونگی پیوند عناصر شکل و محتوا مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

نگاهی کوتاه به زندگی ناصر کشاورز

ناصر کشاورز در سال ۱۳۴۱ در تهران به دنیا آمد. در پنج سالگی همراه خانواده‌اش راهی دامغان شد. او تحصیلات ابتدایی تا دیپلم را در دامغان گذراند و در سال ۱۳۶۷ در رشته صنایع در دانشگاه پذیرفته شد. اما پس از یک ترم تحصیلی انصراف داد و تمام وقت به ادبیات کودک پرداخت. ناصر کشاورز شعر کودک را با همکاری مجله کیهان بچه‌ها شروع کرد که آن روزها جلسه شعر داشت و اغلب شاعران کودک و نوجوان را از سال ۱۳۶۱ آغاز کرده است. از وی به عنوان یکی از شاعران نوگرا و صاحب سبک در شعر کودک و نوجوان نام می‌برند. اولین شعر او در سال ۱۳۶۲ چاپ شد. کشاورز اولین کتاب خود را سال ۱۳۶۵ منتشر کرد. این کتاب «من و مرغابی‌ها» نام داشت و نشان از شاعری توانا و خوش قریحه می‌داد. (روزنامه ایران، شماره ۳۷۰۳: ۲۴)

او پرکارترین و پرجایزه‌ترین شاعر کودک است. نشان ماه طلایی از جشنواره بزرگ ادبیات کودک و نوجوان به عنوان یکی از شاعران برگزیده ۲۰ سال اخیر یکی از مهم‌ترین جوایزی است که ناصر کشاورز دریافت کرده است. نشان مداد پرنده با ارزش‌ترین نشان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و جایزه‌های متعددی از جشنواره‌های گوناگون، جایزه مجله «سلام بچه‌ها» و جوایزی

از جشنواره مطبوعات و جشنواره مطبوعات کودک و نوجوان بخشی از کارنامه او را تشکیل می‌دهند. ناصر کشاورز علاوه بر شعر، اهل موسیقی نیز هست. او عود و گیتار می‌نوازد و می‌خواند. (پژوهش‌های ادبیات کودک و نوجوان، ۱۳۸۱: ۱۶۹)

از او تا کنون حدود ۱۸۵ عنوان کتاب در حوزه ادبیات کودکان منتشر شده است و تا کنون جوایز متعددی در بخش شعر داشته است؛ کتاب «مداد کوتاه» یکی از این جوایز است.

زیبایی‌شناسی در شعر ناصر کشاورز

به طور کلی شعریت هر شعر، مربوط به نحوه کاربرد شاعر از عنصر خیال است و خیال صورت‌های گوناگونی دارد که هر یک، به تنهایی نقش سازنده در ساختار شعر دارند. شعر کودک نیز سرشار از صورت‌های خیال است و هر شاعری برای سرایش شعر کودک، به گونه‌های سازنده خیال در شعر توجه وافری دارد. تشبیه استعاره و تشخیص از گونه‌های مختلف خیال است. تشبیه و استعاره در شعر در خلق تصویرهای ذهنی شاعرانه نقش مهمی دارد؛ اما نباید فراموش کرد که کودکان دنیای تجربی محدودی دارند، لذا شاعر در انتخاب بار رمزی و نمادین کلمه‌ها باید به دنیای تجربی کودکان توجه داشته باشد. اگر قرار است پدیده‌ای نمادی برای پدیده دیگری باشد این پدیده و ویژگی‌های آن باید برای کودک شناخته شده باشد. البته نباید نوآوری را هم در این زمینه از نظر دور داشت. صرف شناخت دو نکته‌ای که با هم مقایسه و یا به هم تشبیه می‌شوند کافی نیست و لازم است در این مقایسه یا تشبیه نکته‌ای تازه باشد که به آنها کمک کند تا آن فکر یا شیء را به شیوه‌ای متفاوت و غیرعادی ببینند. استفاده از تشبیه‌های پیش پا افتاده و مستعمل، همچنین تشبیه‌هایی که درک آنها نیازمند تجربه‌های بزرگسالانه هستند شاعر را از یک فرصت طلایی برای سهمیم کردن کودک در لذت شعری محروم می‌کند. (قزل ایاغ، ۱۳۸۹: ۲۱۲)

تشبیه

تشبیه مانده کردن چیزی است به چیزی، مشروط بر این که آن ماندگی مبتنی بر کذب باشد نه صدق، یعنی ادعایی باشد نه حقیقی. (شمیسا، ۱۳۹۰: ۶۸)

تشبیه به عنوان یکی از قدرتمندترین و وسیع‌ترین ابزار کار شاعر، به معماری ویژه‌ای نیاز دارد که تنها از یک شاعر خوب بر می‌آید. تشبیهات به کار رفته در شعر کودک باید بدیع و نو، اما در محدوده خیال و تجربه گروه سنی او باشد. بدیهی است کودک در هر گروه سنی، ویژگی‌ها و توانایی‌ها و محدودیت‌های متفاوتی دارد که این تفاوت‌ها در نوع و شکل تشبیهات موجود در اشعار متناسب با هر گروه سنی انعکاس می‌یابد. با در نظر داشتن مطالب ذکر شده و آگاهی به اهمیت نقش تشبیه در ساخت و پردازش شعر کودک و همچنین اهمیت گروه سنی مخاطب این نوع از شعر و رابطه و تناسب دو مؤلفه مذکور، بایسته است به دنبال کشف و شناخت اصول و معیارهایی در روش کاربرد تشبیه در شعر کودک و نوجوان بود.

ساده‌ترین شکل در برقراری و نمایش پیوند میان اشیاء و پدیده‌های گوناگون تشبیه است که در شعر کودک کاربرد فراوانی دارد، شاعر کودک باید در برقراری ارتباط میان پدیده‌ها و کشف شباهت‌های موجود در آنها نهایت دقت و باریک بینی را داشته باشد. برقراری ارتباط و کشف شباهت میان پدیده‌ها باید متناسب با خیال‌های کودکان در سنین مختلف باشد، تا کودک بتواند به راحتی

¹. Simile

با آن ارتباط برقرار کند و در کشف شباهت‌های موجود بین اشیاء با شاعر همراه شود. در گذشته تشبیه تقسیم‌بندی زیادی را می‌طلبید ولی امروزه جهت دوری از پراکندگی، تشبیه‌ها به دو دسته گسترده و فشرده تقسیم می‌کنند:

تشبیه فشرده

تشبیهاتی است که با افزودن دو طرف تشبیه (مشبه و مشبه‌به) به صورت ترکیب اضافی در می‌آید که در اغلب قریب به اتفاق موارد، مضاف در آن مشبه و مضاف‌الیه مشبه است.

تور ترس:

❖ جای آنکه صبح و شب / هی مرا دعوا کنی / کاش تور ترس را / از دلم منهای کنی. (کشاوری / امتحان حساب / تو چه شکلی هستی؟)

هماندسازی با دو سویه حسی

طرفین تشبیه (مشبه و مشبه‌به) هر دو در عالم محسوسات با یکی از حواس ظاهری قابل حس‌اند. این تشبیه یکی از رایج‌ترین انواع تشبیه در شعر کودک و نوجوان است به عبارتی این نوع همانندسازی به دلیل بدویت و سادگی خود بار عظیمی از وظیفه تصویرسازی در شعر کودک به ویژه شعر کودکان قبل از دبستان و سال‌های اول دبستان را به دوش دارد در این تشبیه بیشتر از نقش طبیعت بهره می‌گیرند.

چراغ قوه به خورشید:

نور آن در شب زیاد است / می‌شود هر چیز را دید / چون چراغ کوچک آن / می‌درخشد مثل خورشید / (کشاوری / خورشید کوچک / تو چه شکلی هستی؟)

مورچه به نقطه:

تو مثل نقطه هستی / سیاه و ریز و ریزی / ولی باید بدانی / برای من عزیز / (کشاوری / مورچه / پائیز خانم)

هماندسازی با دوسویه حسی و عقلی

غم به خرچنگ:

به جانم چنگ می‌زد / غمی مانند خرچنگ (کشاوری / جادوی آب / آه پونه)

تشبیه وهمی

نوعی خاص تر از تشبیه خیالی است و در آن مشبه‌به اصلاً وجود خارجی ندارد.

کلاغ زرد:

بدون تو دل من / کلاغی زرد رنگ است. (کشاوری / آشتی / چک‌های آواز، تکه‌ای مهتاب)

تشبیه مضمّر

شعر سبز تشبیه مضمّر از سرو:

سرو به خاک افتاد، آسمان درهم شد/ از کتاب جنگل، شعر سبزی کم شد. (کشاورز/ اره موتوری/ میوه‌هایش: سلام! سایه‌هایش: نسیم!)

آسمان به درخت با توجه به فعل تکان دادن:

باد آسمان را، دیشب تکان داد/ سه تا ستاره، در دستم افتاد. (کشاورز/ ستاره/ قایق کاغذی)

استعاره

استعاره در لغت مصدر باب استفعال است یعنی به عاریه خواستن لغتی را به جای لغت دیگری. استعاره بزرگترین کشف هنرمند و عالی‌ترین امکانات در حیطه زبان هنری است. «استعاره کارآمدترین ابزار تخیل و به اصطلاح ابزار نقاشی در کلام است.» (شمیسا، ۱۳۹۰: ۱۶۰)

استعاره مصرحه

این نوع استعاره، همان گونه که از نامش پیداست، صریح و آشکار است. استعاره مصرحه، ذکر مشبّه به و اراده تمام ارکان تشبیه است و علت آشکار بودن این استعاره، به خاطر داشتن مهم‌ترین و راهگشاترین رکن تشبیه، یعنی مشبّه به است و پیداست که استعاره مصرحه، همان مجاز به علاقه مشابّهت است.

❖ **قطار ابر حاضر است/ بیا به سوی شهر ما/ بیا غم دل مرا/ بگیر ناپدید کن/ تمام شهر را پر از کیوتر سفید کن.** (کشاورز/ برف جان/ قایق کاغذی)

❖ **عاقبت آن نرگس زرد/ روح من را با خودش برد/ دسته‌ای پروانه اما توی چشمم تاب می‌خورد.** (کشاورز/ نگاه نرگس/ آه پونه)

کنایه

استفاده از کنایه در ادبیات کودک به خصوص شعر اندک است. در شعر کشاورز نیز شاهد موارد محدودی از کنایه هستیم که بیشتر در اشعاری که شاعر برای نوجوانان سروده مشاهده می‌شود و اغلب کنایات مورد استفاده شاعر کنایات رایج در گذشته است کاربرد این گونه کنایات در شعر کودک و نوجوان مناسب نیست و زبان اشعار را به سمت کهنگی می‌برد. استفاده از این آرایه نیز به ندرت در شعر کودک دیده می‌شود:

مثل یه کاسه خالیه کشیدم آه سردی. (کشاورز/ صدای پای پاییز/ چکه‌ای آواز، تکه‌ای مهتاب)

دلش اندازه دریا به رنگ آسمان باشه. (کشاورز/ صدای پای پاییز/ چکه‌ای آواز، تکه‌ای مهتاب)

ایهام

قشنگ: صفت در معنی زیبایی/ کاملاً

سرد: بی عاطفه/ بی جان

می‌رسد چند گلوله/ از سلاحی سرد و مزدور. (کشاورز/ زنبورهای سربی/ پاتک به لحظه‌ها)
توی این فکرم که پاییز/ یک خانوم جاجیم باف است/ موهای او نارنجی و زرد/ خیلی قشنگ و صاف صاف است. (کشاورز/ پاییز خانم)

رسید: رسیده شدن / به مقصد رسیدن

ته باغ ما یک انار/ ترک خورد یعنی رسید. (کشاورز/ کلاغ و انار/ چکه‌ای آواز، تکه‌ای مهتاب)

تشخیص

شخصیت بخشیدن به اشیاء در دنیای کودکان جایگاه والایی دارد، در ذهن کودک همه اشیا جاندار هستند، تشخیص را در گفتار هر روزه کودکان با اشیا و عناصر موجود در محیط می‌توان لمس کرد این امر به تدریج با بالاتر رفتن سن کودک کمتر می‌شود. شاعران کودک نیز متناسب با دنیای کودکان توجه زیادی به تشخیص در سرودن شعر برای کودکان داشته‌اند و تأثیر این کثرت کاربرد در زیبایی و خیال‌انگیزی و تناسب آن با خیال‌های کودکان نهفته است.

جاندارپنداری

آوردن صفت وحشی و ذکر حالت دویدن برای موج:

موجها هم وحشی/ هم پر از کف بودند/ می‌دویدند انگار/ توی یک صف بودند. (کشاورز/ موج‌های وحشی/ آدم و پروانه)

انسان‌پنداری

در این دسته از تشخیص شاعر نه تنها به اشیا بی‌جان بلکه به حیوانات افعال و عواطف و صفات انسانی می‌بخشد:

چک و چک و چک/ شیر آب ما/ گریه می‌کند/ وقت خواب ما. (کشاورز/ مثل یک سکوت/ آدم و پروانه)

آن گلوله بغض کرده در گلولی قبضه سرد. (کشاورز/ بغض گلوله/ پاتک به لحظه‌ها)

باران رسید از راه یک بوسه بر سرم زد. (کشاورز/ باران معلم شد/ قایق کاغذی)

تشخیص دادن به مفاهیم انتزاعی

هنگام بررسی حسامیزی در شعر کودک، به نمونه‌هایی برمی‌خوریم که در آنها یکی از حواس پنج‌گانه یا ویژگی‌هایشان، با یک مفهوم انتزاعی ترکیب شده است و البته پیداست که این گونه حسامیزی خصوصا در شعر کودکان با اکراه و امساک به کار می‌رود.

مفاهیم انتزاعی، صورت‌های عمومی و ماهوی اشیا را شامل می‌شود که با تجربه به دست می‌آید. (رک: حاجی نصرالله، ۱۳۸۴: ۶۳)

شعر باید دستهایش/ مهربان و گرم باشد (کشاورز/ یک قطره شعر/ آه پونه)

حس‌آمیزی

آنچه گسترش این گونه تصاویر را در شعر کودک و نوجوان اهمیت می‌دهد، همان گسترش زبان و آموختن مهارت گفتار و خلاقیت به آنان است. برای کودکان که غالبا اذهان مقایسه‌گرایی دارند، به نظر می‌رسد حسامیزی مساله‌ای سهل‌الوصول باشد. وقتی کودک افعال را به صورت قیاسی می‌سازد و مثلا در قیاس با خوابانیدن، فعل‌های کشتانیدن و مردانیدن را به کار می‌برد و در سال اول تحصیل، در قیاس با «نان» که قبلا آن را «نون» می‌خواند و اکنون باید نان بخواند همه مصوت‌های بلند «او» در واژگان دیگر

را به «الف» تبدیل می‌کند. برای نمونه به «توپ» «تاپ» می‌گوید، البته دور از ذهن نخواهد بود که در مقام قیاس با «بوی گل»، «بوی شعر» را هم بسازد و مانند آن کودک شاعر بگوید:

بابا را دوست دارم / چون بوی شعر می‌دهد / دنیا را دوست ندارم / اگر توی خیابان گدا نبود / اگر توی پارک ها پیر نبود / دنیا هم بوی شعر می‌داد. (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۲۰)

یا همین کودک، در ترکیب حس آمیزانه دیگری بگوید:

صدای پدرم آبی ست / انگار فرشته است که از آسمان آمده است. (همان، ۲۴)

که جنس دست هایش هوای پاک ده باشد (کشاورز / چکه‌ای آواز، تکه‌ای مهتاب / چکه‌ای آواز، تکه‌ای مهتاب)

بویایی - چشایی:

می‌شود سرباز پر پر / زیر نیش داغ آن‌ها / عطر شیرین شهادت / می‌رود تا آسمان‌ها. (کشاورز / زنبورهای سربی / پاتک به

لحظه‌ها)

شنوایی - بینایی:

خنده‌هایش دیگر / کوچک و کمرنگ است. (کشاورز / تصادف / از قناری تا کلاغ)

صداهایی پر از زهر / که بوی مار می‌داد / صداها زرد بودند / مرا پاییز کردند. (کشاورز / صدای پای پاییز / چکه‌ای آواز، تکه‌ای

مهتاب)

شنوایی - بساوایی

می‌خراشد روح من را / ناله تیز صدایش. (کشاورز / گریه‌ها / میوه‌های سلام؛ سایه‌هایش؛ نسیم)

شنوایی - بویایی

کوچه بوی غصه می‌دهد / بوی ختم بال و پرواز. (کشاورز / ختم بال و پرواز / چکه‌ای آواز، تکه‌ای مهتاب)

تناسب

مراعات نظیر یا تناسب وقتی ایجاد می‌شود که برخی از واژه‌های کلام، اجزایی از یک کل باشند و به این دلیل بین آنها ارتباط و تناسب باشد و انواع مختلفی دارد. بدیهی است که اسم بردن اجزای یک مجموعه خود به خود هنری نیست بلکه باید این اسم‌ها و تناسب بین آنها مخیل یا مضمون‌ساز باشد. تناسب از مهم‌ترین عوامل در تشکیل و استحکام فرم درونی شعر است و دقت در آن منجر به یافته‌های دقیق سبک‌شناسانه می‌شود:

تناسب دریا و ساحل و موج و آب:

رفته بودم دریا در کنار ساحل / موج‌ها می‌کردند / آب دریا را گل. (کشاورز / موج‌های وحشی / آدم و پروانه)

تناسب نی و چوپان و گوسفندان:

با صدای نی خیالش / می‌رود توی بیابون / پیش چوپان و سگش یا در کنار گوسفندان. (کشاورز / دایمی‌ام نی می‌نوازد / موهای

شش متری)

تضاد

تضاد نوعی انبساط خاطر ایجاد می‌کند. تضاد ضمن اینکه مفهوم مسئله یا واژه‌ای را روشن می‌گرداند، می‌تواند آن را ملموس بسازد و تجسم بخشد پس با بهره‌گیری از تضاد می‌توان مفاهیم و مطالب را که دیرتر یاد گرفته می‌شود، برجسته‌تر نشان داد. آموزش از طریق تضاد یا مقابله یکی از راه‌های موثر است. تضاد یکی از راه‌های مناسب برای مشکل‌عامی است که کودکان دارند و آن مشکل تداعی کلمه‌ها است. میخائیل گوردون مرحله‌تمرین تداعی کلمه‌ها را فعالیت‌های مربوط به یافتن متضادها و متفاوت‌ها می‌داند یعنی کودک ابتدا تفاوت‌ها و تضادها را بداند و بعد بین کلمه‌های مشابه ارتباط برقرار کند. او می‌گوید: «پیش از ورود به مرحله تداعی باید پیرامون فعالیت‌های مربوط یافتن متضادها و متفاوت‌ها به تمرین پرداخت به به نظر می‌رسد برای کودک یافتن اشیاء و تصویرهای متفاوت آسان‌تر باشد.» (گوردون، ۱۳۷۵: ۷۴)

تضاد از برجسته‌ترین صنعت‌های ادبی است که در دسته آرایه‌های معنوی بدیع قرار می‌گیرد. این آرایه از قوی‌ترین و پرکاربردترین صنعت‌های ادبی و شعری بر شمرده می‌شود. در اصطلاح بدیعی تضاد به صنعتی اطلاق می‌شود که گوینده یا نویسنده؛ دو کلمه متضاد یا متفاوت را در یک عبارت می‌آورد.

لاغر و چاق:

تو چه شکلی هستی؟ لاغری یا چاقی؟ (کشاورز/ تو چه شکلی هستی؟)

باز و بسته:

می‌خواند هی نوکش را می‌کرد باز و بسته. (کشاورز/ می‌خواند یک پرنده/ تو چه شکلی هستی؟)

خواب و بیدار

من خوابم و خسته او خسته و بیدار (کشاورز/ ساعت خواب/ مداد کوتاه)

متناقض نما (پارادوکس)

غیر از دو نوع تضاد و مطابقه نوع دیگری از تضاد وجود دارد که به خاطر ابهامی که به همراه دارد کمتر از آن در شعر کودک استفاده می‌شود. مهم‌ترین نوع تضاد در ادبیات پارادوکس یا متناقض‌نمایی است و آن وقتی است که تضاد منجر به معنای غریب به ظاهر متناقضی می‌شود. اما این تناقضات با توجیحات عرفانی، مذهبی، ادبی (توسل به مجاز و استعاره) و... قابل توجیه است. ارزش نقیض‌نمایی در اعجاب آن است. گرهی که پس از تأمل گشوده می‌شود و خواننده با گشودن آن خود را در شعر سهیم می‌یابد. نقیض‌نمایی با تضاد فرق دارند. دو واژه متضاد وجود دارند که در یک پدیده واحد جمع نمی‌شوند. تضادها در کنار هم قرار می‌گیرند اما نقیض‌نمایی در مقابل هم و با هم جمع می‌شوند گاهی مواقع نقیض‌نمایی خارج شدن از عرف است. (کاظمی، ۱۳۷۷: ۶۴)

برگی که زرد است ولی شاد است:

تو یادت هست روزی/ به من یک برگ دادی/ و من با خنده گفتم: «چه برگ زرد و شادی». (کشاورز/ برگ/ میوه‌هایش سلام؛ سایه‌هایش؛ نسیم!)

جناس

جناس تنها آرایه‌ای است که موسیقی درونی شعر را دو چندان می‌کند و کاربرد آن در یک شعر به ویژه شعر کودک جذابیت ویژه‌ای در روح و روان کودک ایجاد می‌کند. جناس‌ها سرشار از موسیقی‌اند و آواز خوش موسیقی از تکرار آنها در ذهن و زبان

کودکان جاری می‌شود. (علی‌پور، ۱۳۷۹: ۹۶) جناس انواع مختلفی دارد که در بحث مورد نظر ما با توجه به دامنه کاربرد آن در ادبیات کودک و نوجوان در شعرهای مورد نظر در محورهای زیر قابل بررسی است.

جناس تام

هر گاه واژه‌ای دو بار در یک بیت یا عبارت به کار رود و هر بار معنایی متفاوت از آن برداشت شود جناس تام است در این جناس لفظ، مجموعه صامت‌ها و مصوت‌ها یکی است و معنی مختلف، یعنی اتحاد در واک و اختلاف در معنی. (شمیسا، ۱۳۷۰: ۳۹) تو مریمی، گلی/ ولی من آدمم/ درست عین تو/ به نام مریمم. (کشاورز/ گل مریم/ سبزتر از درخت)

جناس زائد

چشم و چشمه:

چشمه چشمانش از اشک/ می‌شود فوراً لبالب. (کشاورز/ پائیز پدر/ چکه‌ای آواز، تکه‌ای مهتاب)

جناس مضارع

جناسی که اختلاف صامت‌های آن بسیار کم باشد و به عبارتی قریب المخرج باشند.

وقت و دقت:

آن وقت با دقت/ یک نخ به آن بستم. (کشاورز/ به چه عالی/ از قناری تا کلاغ)

جناس مزدوج یا مکرر

آن است که دو رکن جناس پهلوی هم آورده شوند.

توی و تور:

ای پدر من ماهی ام/ گیر کردم توی تور. (کشاورز/ امتحان/ تو چه شکلی هستی؟)

مو و موج:

سر می‌خورد/ بر موج موها. (کشاورز/ دریا/ از برگ گل بهتر)

جناس مطرف

آن است که دو رکن جناس فقط در حرف آخر مختلف باشند.

دم و در:

یک گربه امروز/ آمد دم در. (کشاورز/ روز برفی/ از برگ گل بهتر)

اغراق

هنگامی که شاعر یا نویسنده صفتی را در فرد یا پدیده‌ای آن‌چنان برجسته نشان دهد که در عالم واقع امکان دست‌یابی به آن صفت در حد و اندازه وجود نداشته باشد آرایه اغراق آفریده می‌شود. به عبارتی: «تصرفی که ذهن شاعر در شیوه طبیعی و عادی بیان می‌کند تا حالت یا صفتی را کوچک‌تر یا بزرگ‌تر از آن چه هست بنماید. اغراق از نیروی خیال مایه می‌گیرد. تأثیر سخن را در جهت موضوعی که بیان می‌کند موثرتر و بیشتر می‌سازد و ناشی از شور و هیجان شدید عاطفی است.» (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۳۵)

اغراق باید به گونه‌ای بیان شود که باعث افزایش گیرایی سخن گردد و شعارگونه و غیر واقعی جلوه نکند. کودک و نوجوان به اقتضای سن خود خیال می‌بافند و در خیال بافی خود هر چیزی را بزرگ جلوه می‌دهند و به وجد می‌آیند برای آنها غیر ممکن‌ها هیجان‌آور است. **قد صد تا دریا دوست دارم** او را. (کشاورز/ آب بابا ماما/ آب بابا ماما)

دلم یک دوست می‌خواهد/ که خیلی مهربان باشد/ **دلش اندازه دریا**/ به رنگ آسمان باشد. (کشاورز/ چکه‌ای آواز، تکه‌ای مهتاب/ چکه‌ای آواز، تکه‌ای مهتاب)

۱-۱- موسیقی بیرونی (کناری)

قوی‌ترین عامل جاذبه و کشش برای بچه‌ها موسیقی است، آهنگی که از بافت کلمات و ترکیب مصرع‌ها به وجود می‌آید برای کودکان جذاب و دلنشین است. کودکان در سال‌های اول دبستان و پیش از دبستان با موسیقی شعر بیش از محتوا ارتباط برقرار می‌کنند، کودکان در این سنین از صداها و آهنگ کلمات و تجانس حروف و تکرار لذت می‌برند. در شعر کودک نیز چون شعر بزرگسال عوامل زیادی در ایجاد موسیقی و طنین‌انداز کردن کلام مؤثرند و از آن جا که موسیقی در شعر کودک اهمیت بیشتری از شعر بزرگسال دارد، شناخت عوامل مؤثر در موسیقایی کردن کلام برای شاعر کودک ضروری است. بررسی ویژگی‌های وزن و شکل ظاهری، شکل درونی و علاوه بر آن پرداختن به هر نوع آهنگ و تناسب ناشی از انتخاب قافیه و ردیف، هماهنگی کلمات، صامت‌ها و مصوت‌ها که شعر را از نثر دور می‌کند و به آن شکل شاعرانه می‌بخشد در زمره موسیقی شعر قرار می‌گیرد.

کودک در دنیایی خیال‌انگیز زندگی می‌کند و از قدرت تخیل بالایی برخوردار است همچنین بسیاری از حرکات و حرف‌هایش را با موسیقی خاص ادا می‌کند. شعر کلامی است موزون و مقفی و خیال‌انگیز که این وجوه با ویژگی‌های کودک اشتراک دارد. کودک بیشتر حرف‌هایش را آهنگین ادا می‌کند همچنین از حوزه تخیل وسیعی در بازی‌ها و سرگرمی‌ها برخوردار است. همین مسأله توجه کودک را بیشتر به شعر جلب می‌نماید. کودکان در سنین پایین‌تر قدرت کمتری در انتزاع مفاهیم دارند لذا باید برای ورود به دنیای آنان کاملاً با خصوصیات فردی کودک آشنا بود و آن را به درستی درک کرد. چه بسیار شاعرانی که علی‌رغم سرودن شعر برای کودکان نتوانستند به دنیای آنها راه یابند و فکر می‌کنند با پایین آوردن سطح شعر و کاستن از تعقیدات لفظی و معنوی و با آسان گرفتن شعر کودک برای کودکان شعر بسرایند. (قلیان، ۱۳۸۴: ۴۷)

محمود کیانوش در باب اهمیت موسیقی در شعر کودک می‌نویسد: «کودک زیبایی کلام را در موسیقی باز می‌یابد کودک معانی را با موسیقی می‌آموزد هنگامی که سخن گفتن را در حد معانی قابل ادراک جهان خود آموخت، بیش‌تر به سخنی می‌گراید که سرشار از موسیقی و زیبایی باشد.» (کیانوش، ۱۳۵۲: ۱۵)

قافیه

اساس شعر کودک، بی‌گمان بر قافیه استوار است، اگرچه ممکن است امروزه در شعر بزرگسال، قافیه خیلی تأثیر نداشته باشد، ولی شعر کودک بدون قافیه هیچ ارزشی ندارد، چرا که ذهن کودک ناخود آگاه با شعر کودک آگاهی کامل دارد. (علی‌پور، ۱۳۹۳: ۱۶)

قافیه در شعر کودک و نوجوان را در گروه‌ها و انواع مختلفی تقسیم‌بندی می‌کنند. انواع قافیه با توجه به تعداد جملات تشکیل‌دهنده کلمه قافیه به (غنی و فقیر) و با توجه به جای قرار گرفتن آن در بیت به (آغازین، میانی و پایانی) تقسیم می‌شوند.

قافیه غنی و فقیر

قافیه‌ها را در شعر کودک در دو گروه می‌شناسیم: گروهی را «فقیر» و گروهی را «غنی» می‌نامند. فقر و غنای قافیه‌ها را در حدی که از هماهنگی و همسانی مصوت‌ها و صامت‌های هجاهای اصلی برخوردارند می‌دانیم.

قافیه غنی: قافیه‌های که از چند هجا تشکیل شده‌اند.

شاد، مداد:

روی بلوز من هست، یک موش شاد کوچک/ چیزی نوشته این موش، با یک مداد کوچک. (کشاورز/ موش خارجی/ سیب جان!سلام)

قافیه آغازین

این قافیه به آهنگین‌تر کردن شعر کمک می‌کند. کاربرد آن در شعر کودک بسیار محدود است شاید برخی بر این باشند که آمدن قافیه آغازین نه از روی آگاهی شاعر بلکه اتفاقی و تصادفی در شعرها آورده می‌شود. (علی‌پور، ۱۳۷۹: ۶۷)

چشمه‌ایش، دستهایش:

چشمه‌ایش پشت شیشه/ دستهایش زیر چانه/ باز هم او منتظر بود/ در اتاق تنگ خانه. (کشاورز/ انتظار/ بوی گردوهای کال)

قافیه پایانی

مهربان، آسمان:

دلَم یک دوست می‌خواهد، که خیلی مهربان باشد / دلش اندازه دریا، به رنگ آسمان باشد. (کشاورز/ چکه‌ای آواز، تکه‌ای مهتاب/ چکه‌ای آواز، تکه‌ای مهتاب)

آب، مهتاب

کسی باشد پر از شبنم، پر از پروانه، آهو، آب / صدایش چکه‌ای آواز، نگاهش تکه‌ای مهتاب. (کشاورز/ چکه‌ای آواز، تکه‌ای مهتاب/ چکه‌ای آواز، تکه‌ای مهتاب)

ردیف

شاید بتوان گفت، مهم‌ترین نقش ردیف، قبل از هر چیزی، نقش موسیقایی آن است؛ این نقش موسیقایی، زمانی به نهایت زیبایی خود می‌رسد که در پیوند با دیگر کلمات، در محور همنشینی به کار رود و در واقع، یکی از هنرهای شعری شاعر، در اینجا خود را نشان می‌دهد چرا که وقوف طبع شاعر و بسط او در سخن، به بر بستن ردیف خوب ظاهر می‌شود. (وطواط، ۱۳۶۲: ۸۰)

تنها تأثیر ردیف در شعر کودک، جنبه‌های موسیقایی آن است اگر چه قافیه به شعر کودک، آن آهنگ خاص را می‌بخشد و کودک با مدد قافیه به زیبایی شعر پی می‌برد اما ردیف تأثیر موسیقایی و آهنگین شعر را دوچندان می‌کند. در شعر کودک به تناسب وزن، ردیف‌های کوتاه به کار می‌رود. (علی‌پور، ۱۳۷۹: ۸۶)

بدتر، تر:

اتفاقاً دیروز حال او بدتر بود/ چون که دیدم طفلک، گونه‌هایش تر بود. (کشاورز/ بوی نرگس/ بوی نرگس)

وزن

در شعر کودک، بیشترین توجه هر شاعری به وزن معطوف می‌باشد و اصولاً شعر کودک بدون وزن و آن هم وزن کوتاه، ضربی و شاد مفهومی ندارد. برخی از شاعران، دست به سرایش شعرهای بی‌وزن برای کودکان کرده‌اند که البته بسیار مورد توجه کودکان واقع نشد. احمدرضا احمدی از جمله شاعرانی است که به سرایش شعر منثور برای کودکان پرداخت. (علی‌پور، ۱۳۹۳: ۱۴)

پس در تعریف وزن باید بگوییم: وزن عبارت است از نظم، هماهنگی و تناسبی که میان اصوات و گفتار وجود دارد. اما باید بدانیم که وزن شعر دارای اهمیت‌های فراوانی است، به ویژه در شعر کودکان و نیز در آموزش کودکان. «اسپنسر» در باره اهمیت وزن می‌گوید: «وزن وسیله‌ای برای صرفه‌جویی در توجه به ذهن به شمار می‌رود و لذا آهنگی که از آن حاصل می‌شود، نتیجه آن است که چون کلمات بر طبق ضرب و وزنی مشهود و آشنا با هم تلفیق می‌شوند، ذهن آنها را آسان‌تر ادراک می‌کند و از کوششی که باید برای حفظ و ضبط مجموعه‌ای کلمات به کار ببرد تا ربط آنها را با یک‌دیگر و سپس معنی کلام را دریابد، کاسته شود.» (رک: علی‌پور، ۱۳۹۳: ۵۰)

به طور کلی در به کار بردن وزن برای شعر کودک باید چند نکته را مد نظر داشته باشیم:

۱- از وزن‌های کوتاه استفاده کنیم:

یک عالمه برف، دور و برماست، یک دانه پارو، در دست باباست /
او کرده پارو، این برف‌ها را، یخ کرده دستش، از سوز سرما
با اینکه کارش، خیلی زیاد است، از خنده‌هایش، پیداست شاد است
ای کاش می‌شد، خورشید باشم، بر دست بابا، گرما بپاشم
(کشاورز/ یک عالمه برف/ گنجشک و پروانه)

۲- برای خردسالان از وزن‌های شاد و ترانه‌ای استفاده کنیم:

دویدم و دویدم به بستنی رسیدم

گفتم بیا گفت نمی‌آم

یه پول کاغذی می‌خوام

این پول آهنی کمه

برای بستنی کمه

آهای پول کجائید

از این طرف بیائید

این بستنی گروه

برای دیگر گروه

(کشاورز/ بستنی / گریه به من میو داد)

۳- از به کارگیری وزن‌های نامطبوع و طولانی بپرهیزیم البته رواتر آن است که از بحرهای عروضی، آنها را که سخت به نثر

یا سخن بی‌آهنگ نزدیکند یا آنها را که در وزن‌خوانی دشواری آورند به کار نگیریم، زیرا که ادراک موسیقی منظم و ممتاز در آنها

برای کودک صعب و گاه محال خواهد بود. (کیانوش، ۱۳۵۲: ۷۶)

۴- وزن با مضمون متناسب باشد. در شعر کودک هم که مضامین بیشتر وصفی و تعریفی و نشاط‌انگیز است و بازیگونه باز می‌توان از وزن‌های کوتاه و تند یا کوتاه و نرم برای هر مضمون وزنی متناسب و سازگار انتخاب کرد. (همان، ۷۴)

موسیقی درونی یا میانی

یکی از بخش‌های مهم موسیقی شعر، که نتیجه ترکیب و تکرار حروف و واژه‌هاست، موسیقی درونی است. در میان اجزای تشکیل دهنده موسیقی درونی هم، آنچه در انتقال و تأثیر پیام شاعر اهمیت بیشتری دارد، میزان دلالت‌ها و موسیقایی و آوایی کلمات در بافت شعر است. چرا که در این قلمرو است که موسیقی شعر، به معنای هنری دقیق خویش آشکار می‌شود و گرنه، دست یافتن به جدول بحور عروضی، کار همه کس می‌تواند باشد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۱: ۳۲۱)

تردیدی نیست که آن قسمت از یک اثر ادبی، که در آن تناسب آوایی و معنایی لحاظ شده باشد، نسبت به دیگر بخش‌های اثر ارزشمندتر است. «به این دلیل که صرف صوت به خودی خود، از لحاظ زیبایی‌شناختی کم ارزش یا به کلی بی‌ارزش است. شعر موسیقی‌وار، بی‌آنکه تصویری از معنی یا لحن عاطفی آن داشته باشیم، وجود ندارد.» (ولک، ۱۳۷۳: ۱۷۵)

در موسیقی میانی نباید خوش‌آهنگی آواها را فراموش کرد. موسیقی داخلی سبب خوش‌آهنگی و سهولت تلفظ شعر می‌گردد و تناسبی ویژه بین کلمات، با تکرار و یا چیدن هوشیارانه صامت‌ها و مصوت‌ها برقرار می‌کند. عواملی که موسیقی درونی را ایجاد می‌کنند عبارتند از: تکرار، واج آوایی و هم‌حروفی.

موسیقی درونی در شعر کودک به گونه‌های مختلفی نمود می‌یابد و بی‌گمان در زیبایی شعر و تأثیرگذاری آن در ذهن و زبان کودکان نقش مهمی ایفا می‌کند. موسیقی حاصل از تکرار واژگان، حروف و حرکات و گاه تکرار جملات از جلوه‌های موسیقی درونی است. کودک از تکرار کلمات و کنار هم قرار گرفتن حروف همجنس، لذت می‌برد و موسیقی حاصل از این امر برایش خوشایند است.

تکرار

تکرار در زبان‌شناسی به عنوان یکی از عوامل مهم برجسته‌سازی کلام در سطح واج، واژه، گروه، و جمله چه به صورت کامل و چه به صورت ناقص نمود پیدا می‌کند. به همین جهت آنچه در علم بدیع با عنوان تکرار و جناس نام برده می‌شود، در زبان‌شناسی مشمول همگونی کامل در سطح واژه است و گونه‌های دیگر جناس، سجع و در سطحی وسیع‌تر، موازنه و ترصیع، همگونی ناقص را تشکیل می‌دهد. بنابراین تکرار یکی از عوامل اساسی در زیبایی‌شناسی شعر فارسی است توالی مناسب بین اجزای کلام، مخاطب را جذب نموده و موجب می‌گردد که سخن ادبی آسان‌تر به ذهن سپرده شود. از میان گونه‌های مختلف صنایع ادبی، صنعت تکرار ارزش و جنبه زیبایی‌شناختی ساخت و فرم یک اثر را دو چندان می‌سازد.

روش تکرار سومین روش از روش‌های افزونی موسیقی لفظ است در این روش همسانی هر چه بیشتر صامت و مصوت‌ها مطرح است به طوری که کلمات هماهنگ می‌شوند یا همجنس پنداشته می‌شوند و یا عین یک‌دیگر می‌گردند، انواع این روش عبارتند از: تکرار واک، هجا، عبارت یا جمله، تکرار مضمون، تکرار قافیه، تکرار وزن، تکرار واژه‌های پربسامد و تکرار صور خیال.

هی می پرید این ور/ هی می پرید آن ور. (کشاورز/ از برگ گل بهتر)

کودکان با تکرار یک کلمه یا عبارت خود این گونه موسیقی را به وجود می‌آورند و از آن لذت می‌برند تکرار در شعر کودک و

نوجوان از عناصر اصلی است که در خدمت موسیقایی کردن زبان از آن بهره می‌گیرند بسامد آن در گروه‌های سنی متفاوت است و هر چقدر گروه سنی شعر بالاتر می‌رود کارکرد آن کمتر می‌شود. تکرار بعد از قافیه و ردیف حائز اهمیت است و شعر را موزیکال می‌کند امکان ظهور در شعر به صورت‌های مختلف است:

تکرار آغازین

تکرار یک عنصر دستوری با توالی یکسان در آغاز مصراع‌ها یا ابیات تکرار آغازین در شعر کودک و نوجوان به چند صورت امکان پیدا می‌کند:

الف) تکرار آغازین در مصراع‌های فرد (اول و سوم) بند:

بیا برای من / بیار رنگ و بو / بیا که دیدنت / شده یک آرزو. (کشاورز / گل مریم / سبزتر از درخت)

ب) تکرار آغازین در مصراع‌های اول و دوم هر بند:

یک عمومی باغبان / یک عمومی کدخداست / من که شهری نیستم / خانه ام در روستاست. (کشاورز / روستای ما / من و مرغابیها)

ج) تکرار آغازین در مصراع‌های دوم و سوم هر بند:

چه می‌شد اگر تو / کمی ساده بودی / کمی از دلت را / به من داده بودی. (کشاورز / پر زرد قناری / بوی نرگس)

د) تکرار آغازین در مصراع‌های سوم و چهارم:

در شبی مهتاب، سرباز / دیده‌بان دیدگاه است / یک نگاهش رو به دشمن / یک نگاهش رو به ماه است. (کشاورز / زنبورهای

سربی / پاتک به لحظه‌ها)

ه) تکرار در آغاز اکثر مصراع‌ها:

سایه‌ها چه ساده‌اند / سایه‌ها چه مهربان / سایه‌ها سبکتند / از پر پرندگان. (کشاورز / گلیم سایه‌ها / آه پونه)

تکرار میانی

تکرار در میان مصراع‌ها و ابیات صورت می‌گیرد و دو گونه است:

الف) تکرار بدون فاصله

خنده می‌کند / شاد شاد شاد / تاب می‌خورد / روی تاب باد. (کشاورز / بادبادک / آب، بابا، ماما)

ب) تکرار با فاصله

شروع می‌کنم / به کار و کار و کار / که گله‌های فکر / شوند لت و پار. (کشاورز / چقدر ساده بود / بوی نرگس)

تکرار پایانی

در شعر کودک و نوجوان تکرار پایانی خود به چند صورت است:

۱- تکرار در پایان مصراع‌های فرد در بند چهارپاره:

الان دوچرخه‌ام را / یک گوشه می‌گذارم / تا او نبیند آن را / چون دوستش ندارم. (کشاورز / یا قهر یا کمی برف / گل‌های پاپا، به

به! چه زیبا!)

۲- تکرار در پایان مصراع‌های میانی (مصراع دوم و سوم) چهارپاره:

خواهرم منصوره خیلی / دوست دارد آلبالو / قرمز است از آلبالو / دست‌ها و صورت او / (کشاورز / گوشواره آلبالویی / قایق کاغذی)

واج آرایبی

واج آرایبی به ساده‌ترین عبارت، آرایش واج‌هاست. یعنی شاعر به عمد یا به اتفاق در اثر خود یا در بیتی از ابیات، واجی را بیشتر از تعداد واج‌های دیگر تکرار می‌کند نام دیگر این اتفاق یا فن نغمه حروف است. یعنی حرف یا حروف یک شعر ضمن خوانده‌شدن، نغمه‌ای خاص ایجاد کنند. به طور کلی در زبان و شعر فارسی، بعضی از واج‌ها خود به خود به صورت تکرار و فراوانی در زبان و عبارت‌ها به کار می‌روند.

واج آرایبی یعنی تکرار یک صامت یا مصوت در چندین کلمه. واج‌ها در درون یک واژه می‌توانند به دو صورت ایجاد توازن کنند که ما آن را در دو مقوله هم‌حروفی و هم‌صدایی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

هم‌حروفی

آن تکرار یک صامت با بسامد زیاد در جمله است. تکرار صامت ممکن است به صورت منظمی در آغاز همه یا برخی از کلمات و یا به صورت پراکنده‌ای در میان کلمات باشد. (شمیسا، ۱۳۷۰: ۵۷)

هم‌حروفی منظم:

چشمه چشمانشان خشک / غنچه لبهایشان چاک. (کشاورز / آب و آتش / پاتک به لحظه‌ها)

هم‌حروفی پراکنده یا پنهان:

از شش شب پیش / یک سانت دیگر. (کشاورز / موهای شش متری / موهای شش متری)
امروز زنبوری بدجنس و زرد آمد / نیشم زد و نیشش بد بود و درد آمد. (کشاورز / زنبور زرد / آب، بابا، ماما)

هم‌صدایی

هم‌صدایی تکرار یا توزیع مصوت‌ها در کلمات است.

خوشحال شد باز ، با ناز خندید. (کشاورز / گل / سبزتر از درخت)

گاهی هم‌حروفی و هم‌صدایی با هم در مصراع یا بیتی به کار می‌رود و ارزش موسیقایی کلام به اوج می‌رسد.

در هوا می‌بینم یک هواپیما را / او هم از آن بالا دیده شاید ما را. (کشاورز / بمب و ماهی / پاییز خانم)

نتیجه گیری

زیبایی‌شناسی دانشی است که راجع به هنر و احساس زیبایی گفتگو می‌کند و هنر کوشش، برای خلق زیبایی است یعنی اهتمامی است تا در جنب عالم واقعی یک عالم ایده‌آل و آمالی، یک عالمی از صور و احساسات بی‌شائبه خلق گردد. هنر یکی از نمودها و جلوه‌های بسیار شگفت‌انگیز و سازنده حیات و آرمان‌های حیات بشری است و مبنای آن شوق زیبایی‌پرستی که امری فطری است می‌باشد چرا که انسان در اعماق وجود خویش گرایش و کششی مقدس و فطری به سوی زیبایی‌ها و جلوه‌های گوناگون ذوقی و هنری می‌یابد و از آن لذت می‌برد. این پژوهش از منظرگاه دو علم، بیان و بدیع، بر طبق مهم‌ترین اصطلاحات و نظراتی که در کتب بلاغت وجود داشته، صورت گرفته و بر این اساس آثار منتخبی از ناصر کشاورز به عنوان شاعر کودک و شعرشناس بررسی شده است. نتیجه آن که پی بردیم که ناصر کشاورز با بهره جستن از صنایع ادبی متعدد در آفرینش ایماژ و تصاویر، ایجاد حس و شور سحرانگیز، انسجام بخشیدن به اشعارش و تقویت بعد موسیقایی و زیباتر کردن شعرش موفق ظاهر شده است و در به کارگیری علم بیان در هر دو حیطه (لفظی و معنوی) موفق ظاهر شده است که در آن، صنایع تکرار، اغراق، تناسب، طباق و تلمیح از بسامد بالایی برخوردار هستند که توجه و حساسیت شاعر را به بعد موسیقایی شعر نمایان می‌سازد.

منابع و مأخذ

۱. پورنامداریان، تقی. سفر در مه. تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۸۱.
۲. جعفر قلیان، طاهره. ادبیات کودکان. انتشارات پیام نور، ۱۳۸۴.
۳. ولک، رنه؛ آوستن وارن. نظریه ادبیات. ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر. تهران: علمی فرهنگی، ۱۳۷۳.
۴. شمیسا، سیروس. بیان. تهران: انتشارات میترا، ۱۳۹۰.
۵. ----- نگاه تازه به بدیع. تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۰.
۶. شفیع کدکنی، محمدرضا. موسیقی شعر. تهران: آگاه، ۱۳۸۰.
۷. صیادکوه، اکبر. مقدمه‌ای بر نقد زیبایی‌شناسی. تهران: نشر روزگار، ۱۳۸۶.
۸. علی‌پور، منوچهر. آشنایی با ادبیات کودکان. تهران: انتشارات تیرگان، ۱۳۹۳.
۹. ----- پژوهش در شعر کودک. تهران: انتشارات تیرگان، ۱۳۷۹.
۱۰. ----- نقد و بررسی شعر کودک. تهران: انتشارات تیرگان، ۱۳۹۳.
۱۱. قول ایاغ، ثریا. ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۹.
۱۲. قرشی، محمد حسین. مجموعه مقالات همایش ادبیات کودکان و نوجوانان. بیرجند، ۱۳۸۳.
۱۳. کیانوش، محمود. شعر کودک در ایران. تهران: آگاه، ۱۳۵۲.
۱۴. کاظمی، محمد کاظم. روزنه. مشهد: انتشارات ضریح آفتاب، ۱۳۷۷.
۱۵. کشاورز، ناصر. آه پونه. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۶.
۱۶. ----- آب، بابا، ماما. تهران: انتشاراتی قدیانی، ۱۳۷۲.
۱۷. ----- آدم و پروانه. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸.
۱۸. ----- از برگ گل بهتر. تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۶.
۱۹. ----- از قناری تا کلاغ. تهران: انتشارات کوچک جنگلی، ۱۳۷۰.
۲۰. ----- بوی گردوهای کال. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۶.
۲۱. ----- پاییز خانم. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۴.
۲۲. ----- پاتک به لحظه‌ها. تهران: انتشارات صریر، ۱۳۷۹.
۲۳. ----- تو چه شکلی هستی؟. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸.
۲۴. ----- چکهای آواز، تکه‌های مهتاب. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۶.
۲۵. ----- سیب جان سلام. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۸.
۲۶. ----- سبزتر از درخت. تهران: محراب قلم، ۱۳۸۰.
۲۷. ----- قایق کاغذی. تهران: نشر شفق، ۱۳۷۳.
۲۸. ----- گریه به من میو داد. تهران: نشر افق، ۱۳۷۸.
۲۹. ----- میوه‌هایش: سلام! سایه‌هایش: نسیم. تهران: انتشارات قدیانی، ۱۳۷۷.
۳۰. ----- موهای شش متری. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۲.
۳۱. ----- مداد کوتاه. تهران: انتشارات شب‌ویز، ۱۳۸۳.
۳۲. گوردون، میخائیل؛ ریان، دیوید؛ شیلو، تامار. کمک به رشد گفتار و زبان کودکان عقب‌مانده ذهنی تربیت پذیر. ترجمه احمد به‌پژوه، غلام رضا خجسته مهر، بهرام روستایی. تهران: نشر روی، ۱۳۷۵.
۳۳. مصطفوی، صوفی. شاعر قاصدک‌ها و راوی آینه‌ها. تهران: نسیم دانش، ۱۳۸۰.

۳۴. وطواط، رشیدالدین. حدائق السحر. تصحیح عباس اقبال آشتیانی. تهران: نشر کتابخانه سنایی و طهوری، ۱۳۶۲.

۳۵.

مقالات و سایر منابع

۱. پژوهش‌نامه ادبیات کودک و نوجوان، نقد و بررسی: نمای نزدیک (آثار برترین‌های جشنواره بزرگ برگزیدگان ادبیات کودک و نوجوان ناصر کشاورز)، ۱۳۸۱، شماره ۳۱، صص ۵۴-۵۶.
۲. حاجی نصرالله، شکوه، چگونگی طرح مفاهیم انتزاعی در ادبیات کودک، فصلنامه پژوهشی، تحلیلی و آموزشی، پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، ۱۳۸۴، شماره ۱۴، صص ۱۱-۲۳.
۳. روزنامه ایران، شماره ۳۷۰۳، تاریخ ۱۳/۸/۱۳۸۶، مصاحبه با ناصر کشاورز، ص ۲۴.